



جمال شورهچ (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)



نگاهی به فیلم «درس‌های فارسی»

## کلیشه یهودی آواره و نجات با زبان فارسی تقلبی!

فاطمه قاسم آبادی

ساخت فیلم‌هایی با موضوع ظلم‌هایی یحد و اندازه علیه یهودیان، در تاریخ و به‌خصوص در جنگ جهانی دوم، دیگر جزو کلیشه‌های جان‌شدنی سینمای غرب و هالیوود شده است. این ساختها به‌ویژه درباره ماجرای هولوکاست و آمر میلیونی قربانیان این ماجرا، تعصب خاصی دارند. البته این تعصب تنها به سینما و تلویزیون غرب ختم نمی‌شود و در دانشگاه‌های اروپا هنوز هم بعد از گذشت سال‌ها، کسی حق مطرح کردن پرسش یا تحقیقات در مورد ادعای هولوکاست را ندارد.

فیلم «درس‌های فارسی» ساخته «وادیم پرلمان» کارگردان یهودی‌الاصل اوکراینی تبار ساکن ایالات متحده آمریکا است که فیلم قبلی‌اش «خانه‌ای از شن و مه» هم داستان یک خانواده ایرانی مهاجر به آمریکا بود. در سه‌های فارسی، داستان اسیران یهودی در اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها را به تصویر می‌کشد و مانند فیلم قبلی کارگردانش ارجاعاتی به ایران و زبان فارسی دارد. درس‌های فارسی در سال ۲۰۲۰ از سوی بلاروس به عنوان فیلم برگزیده به اسکار فرستاده شد.



داستان ایرانی تقلبی!

داستان فیلم «درس‌های فارسی»، در سال ۱۹۴۲ و در زمان جنگ جهانی دوم اتفاق می‌افتد. «ژیل» ، یک جوان یهودی بلژیکی است که در کنار دیگر یهودیان، توسط نیروهای ویژه نازی با همان اس‌اس دستگیر و به یک اردوگاه کار اجباری در آلمان فرستاده می‌شود. ژیل در اردوگاه می‌فهمد که یکی از افسران به دنبال یک ایرانی فارسی‌زبان در بین اسیران است و از این رو، او با قسم خوردن به نگاهبان که یهودی نیست، بلکه فارس است، به سختی از اعدام و مرگ فرار می‌کند.

این دروغ موثقا او را نجات می‌دهد، اما سپس به ژیل مأموریتی غیرقابل پیش‌بینی محول می‌شود: آموزش زبان فارسی به «کوچ» افسر مسئول آشپزخانه اردوگاه که آرزو دارد پس از پایان جنگ، مستورانی در ایران(تهران) باز کند.

کوچ ادعا دارد که برادری در ایران دارد که به خاطر اطلاعاتی که او از ایران به کوچ داده، این افسر علاقمند به رفتن به ایران است و خودش هم شیفته زندگی در ایران است. در این بین ژیل متوجه می‌شود که برای زنده ماندن باید کلمه به کلمه زبانی را که نمی‌داند اختراع کند. ژیل مجبور می‌شود تمام کلمات می‌سر و تهی را که به عنوان کلمات فارسی می‌سازد را حفظ کند تا زندگی خودش را نجات بدهد ولی این کار با توجه به زیاد شدن هر روز کلمات سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود…

کلیشه‌هولوکاست

در فیلم «درس‌های فارسی»، مخاطب از همان شروع ماجرا می‌بیند که بحث بر سر تعداد کشته شدگان در اردوگاه‌های کار اجباری در آلمان نازی است. با توجه به جدی شدن پرسش درباره تعداد کشته‌های یهودیان که بر مبنای آن سال‌هاست که ادعاهای بسیاری را پیرامون همین تعداد، مطرح کرده‌اند، ورود داستان درس‌های فارسی به این قضیه، از همان ابتدا، قابل تامل است.

گویی کارگردان می‌خواهد از همان آغاز، به شبهه‌ای که در حال حاضر به شدت در فکر مخاطبان به‌وجود آمده، پاسخ بدهد و به آنها تاکید کند که اگر هیچ مدرکی در مورد تعدادی که تا یحال ادعا شده نیست، دلایش سوزانند تمام این مدارک توسط افسران نازی است!

این ادعا که با توجه به تاکید یهودیان بر تعداد میلیونی کشتگان، غلوآمیز است، از همان ابتدای داستان باافرا بودن هیچ طرفاتی تکرار می‌شود و با توجه به داستان خسته‌کننده فیلم، نمی‌تواند تأثیری را که فرد بوده، بگذارد.

فداکار و از جان گذشته

در فیلم درس‌های فارسی، مانند یک سری فیلم‌ها و سریال‌های اخیر هالیوودی، ادعاهای جالبی درباره یهودیان مطرح می‌شود. در این ساخته‌هاوجه شخصیتی تازه‌ای را به شخصیتی یهودیان، اضافه کرده‌اند.فداکاری و از جان گذاشتگی برای غیر همکیشان، به نازگی در شخصیت‌های یهودی هالیوودی و به‌خصوص اسیران اردوگاه‌های کار اجباری دیده می‌شود! تا پیش از این یهودیان در تاریخ به صورت افراد بینوایی که بقیه انسان‌های درستکار، وظیفه دارند به آنها کمک کنند و جانشان را نجات بدهند به تصویر کشیده می‌شدند. برای مثال در فیلم «پیانست» شخصیت «لادیسلاو» به هیوچه حاضر به جنگ با دشمنان نیست و ترجیح می‌دهد به جای زوریاری با نازی‌ها، مخفی شود و از کمک و فداکاری دیگران برای زنده ماندن بهره‌بربرد ولی در فیلم درس‌های فارسی، شخصیت ژیل، تا پای فدا کردن جان خودش هم برای کسانی که نمی‌شناسد فداکاری می‌کند…

این تغییرات شخصیتی با توجه به بیشتر شدن نفرت مردم جهان از یهودیان صهیونیست در سراسر دنیا قابل تامل است.

دشمن احمق

در فیلم «درس‌های فارسی»، به ضعیف‌ترین شکل ممکن رابطه بین افسر نازی و ژیل به تصویر کشیده شده است. شخصیت افسر نازی ادعا دارد برادری در ایران و تهران دارد و چون قبل از جنگ سرآشپز ماهری بوده، می‌خواهد به تهران بیاید و رستورانی با غذاهای آلمانی بگراید خودش باز کند.

این شخصیت با وجود ادعای علاقمندی به ایران و اشتیاق برای یادگیری زبان فارسی، هیچ چیز از فرهنگ و زبان فارسی نمی‌داند. بنا بر این مانند یک احمق، تمام حرف‌های جوان یهودی را باور می‌کند و تنها به گرفتن کلمات برای یادگیری زبان فارسی اکتفا می‌کند و طوری رفتار می‌کند گویی برای یادگیری یک زبان پیچیده مثل زبان فارسی، هیچ دستور زبانی نیاز نیست و تنها کلمات کافی هستند!

این نوع نگاه سطحی به یک زبان قدیمی و احمق فرض کردن افسران نازی که طبق تاریخ به شدت نسبت به اسیران زیردستانشان شکاک و بی‌رحم بودند، فیلم درس‌های فارسی را به اثری بی‌سر و ته و غیر قابل باور تبدیل می‌کند.

علاقمنده به ایران

وادیم پرلمان، به عنوان کارگردان یهودی فیلم «درس‌های فارسی»، مدعی است که به ایران علاقمند است و هر دو اثرش را هم به نوعی به ایران مربوط کرده است. این کارگردان اوکراینی، در فیلم قبلی‌اش «خانه‌ای از شن و مه» هم داستان را حول یک خانواده ارثی ایرانی مهاجر به آمریکا، به خاطر انقلاب ساخته بود و این بار هم با پیش کشیدن یک داستان ضعیف و شخصیت‌های ضعیف‌تر، ارجاعاتی به زبان فارسی و نجات جوان یهودی به واسطه فریب افسر نازی دارد.

درس‌های فارسی خط داستانی متفاوتی نسبت به دیگر فیلم‌های مه‌رده‌اش دارد ولی در کل، ماجرای همان یهودی مظلوم و آواره است که تحت ظلم قرار گرفته و این بار، جانشنی فداکاری هم به شخصیتش اضافه شده است.

این فیلم در بین مخاطبین محبوبیتی نداشت و نمره‌های متوسطی را از منتقدین کسب کرد و تنها توانست روایت یهودی مظلوم و آواره را تکرار کند.

«امروز طبق اطلاعات قطعی ثابت شده است که مؤسسه عظیم هالیوود و شرکت‌های بزرگ سینمایی با سیاست‌های استکباری آمریکا همراهی و همکاری مستمر و باب میل دارند. این مؤسسه بزرگ فیلم‌سازی و سینمایی که ده‌ها کمپانی بزرگ، فیلمساز از هنرمند و از کارگردان و از بازیگر و از نمایشنامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس و سرمایه‌گذار در آن گرد هم جمع شدند، در خدمت هدفی دارند حرکت می‌کنند. آن هدف عبارت است از: اهداف سیاست استکباری که دولت آمریکا را هم همان سیاست‌ها دارد می‌چرخاند.

اینها چیز کوچکی نیست…» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار روحانیون و طلاب اهل تشیع و تسنن کردستان در ۲۲/۳/۱۳۸۸)
چند سال قبل و در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما وی در نشستیی با اعضای کمپانی دریم ورکس، هالیوود را ااشاعه‌دهنده ارزش‌های فرهنگی آمریکا، پیش‌برنده سیاست‌های دولت و گرداننده چرخ اقتصادی آمریکا دانست. تعبیر اوباما از هالیوود، مصادیق کارکرد «سینمای استراتژیک» است. این درحالی است‌که سینمای کشور ما – در وجه غالب آن- همچنان در زمینه یاری‌رسانی برای پیشبرد اهداف و مصالح ملی کم‌کار است.

آنچه سینمای آمریکا را در راستای سیاست‌های دولت حاکم بر کشورش قرار داده، غلبه و تسلط «سینمای استراتژیک» در هالیوود است. سینمای استراتژیک اصطلاح جدیدی است که در مباحث تحلیل فرهنگی و رسانه‌ای رواج یافته است. این نوع سینما را گرچه نمی‌توان یک ژانر دانست، اما یک جریان قابل شناسایی و آشکار در سینمای امروز



فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)

ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)

مهدی قلیه (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

حسین باری (بازیگر)

نادر میربناوری (فیلمساز)

بروین شیخ طادی (فیلمساز)

شهرویار بحرانی (فیلمساز)

# سینمای استراتژیک

## راهی برای تحول سینمای ایران

مهدی امیدوی

دنیاست، منظور از سینمای استراتژیک، سلسله فیلم‌هایی است که از سوی یک کشور، جهت رسیدن به هدفی خاص در عرصه جهانی تولید می‌شوند. طسوری که امروز بخش زیادی از آثار هالیوودی را می‌توان در این تعریف گنجاند. این فیلم‌ها معمولاً در پی ترغیب مخاطب‌های خود در اقصی نقاط جهان به پذیرفتن هژمونی آمریکا هستند. فیلم‌هایی که از مسیر ترویج سبک زندگی آمریکایی، تلقین جهان‌بینی غربی، نمایش اقتدار نظامی آن کشور و معرفی ایالات متحده به‌عنوان یگانه آرمان شهر رفاه و آزادی، نقش استراتژیک خود را بازی می‌کنند.

ریک آلتمن از اساتید دانشگاه پرینستن آمریکا درباره کارکردهای سیاسی و اقتصادی فیلم‌های آمریکایی در دیگر جوامع در یکی از کتاب‌هایش می‌نویسد: «بیش از نیم قرن آثار سینمایی، نقش بزرگی در تحکیم و قوام جامعه آمریکایی و معرفی آن به دنیا داشتند. سینما به‌عنوان یکی از پرخرج‌ترین تولیدات، خصوصاً در ژانرهایی که پیوند بیشتری با دیگر آداب و سنت‌های فرهنگی آمریکایی داشت،

باید از مسیر اخلاق و تقوا فاصله گرفت و چهره‌ای از فردی ارائه کرد که با تعهد اخلاقی ندارد و با دانش و ظرفیت حرفه‌ای و یا هر دو! با این حال بی‌شک می‌توان ورود فیلمسازان به عرصه ساخت فیلم تبلیغاتی را مردود دانست. روشن است که هنر با سیاست بی‌نسبت و بیگانه نیست. هنر ابزاری برای معرفی اندیشه و راه و روش است. هنر شیوه‌ای برای بیان احساسات و یا جلب احساسات است. ما از ذات هنر می‌گوییم. غربی‌ها هم با وجود ادعای نبود تناسب میان هنر و سیاست، خود دقیقاً محصولاتی را عرضه می‌کنند که حاصل امتزاج هنر و سیاست است، مصداق گزاره اخیر فراوان است: «فهرست شیندلر» ساخته استیون

به بیان دیگر در یک سئوی میدان پرس‌تی‌وی قرار دارد که توانسته به موآطبع عرضه می‌کند، زمینه آگاهی مردم جهان را فراهم می‌سازد اما این آگاه شدن یک موضوع مجرد نیست بلکه می‌تواند در مسائل سیاسی و اجتماعی کشورهای دیگر منشا تحول باشد. اتفاقاً دو موضوع مذاکرات اخیر در وین و نیز تحولات غرب آسیا از مواردی است که می‌تواند این تأثیر گذاری را در سطح جهان به همراه آورد؛ به‌ویژه آنکه جهان این دو سرشاخه خبری را دنبال می‌کند.

در بسیاری از موارد پیامیدی که خبرهایی از دست دارند به مراتب از اصل خبر بااهمیت‌تر دیده می‌شود؛ چرا که حقیقت ماجرا که در رسانه‌های آزادندیش مانند پرس‌تی‌وی

## پرس‌تی‌وی و عبور از دیپلماسی عمومی بایدن

محمد پارسا نجفی

خود را از انگلیس پس بگیرد، موجی از استقلال‌خواهی اقتصادی در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین به راه افتاد. این مثال مصر اقدام به ملی کردن کانال سوئز کرد و سایر کشورهای صادرکننده منابع زیرزمینی نیز خواهان پس گرفتن اختیار منابع ملی خود شدند.

در عرصه بین‌الملل همه چیز مانند ظروف مرتبطه عمل می‌کند و این خطر به مراتب از غنی‌سازی چند کیلو سوخت هسته‌ای توسط ایران برای غرب که به مراتب منابع کشورهای ضعیف علاقه‌مند است، بسیار ناگوارتر خواهد بود. همه این موارد به‌خاطر وجود رسانه‌ای است که می‌تواند حقایق را بیان کند؛ و الا این چرخه ناقص می‌شد. مهم‌تر از اینکه ایران به چرخه کامل سوخت هسته‌ای دست نیابد، این نکته برای غرب است که موفقیت‌های ایران در سطح جهان بازتاب نیابد. در حقیقت انتشار موفقیت ایران در به دست آوردن حق خود به مراتب برای کشورهای قلدر استکباری مانند آمریکا، انگلیس و فرانسه غیر قابل تحمل‌تر است؛ چرا

که دیگر ملت‌ها نیز از این رویکرد پیروی می‌کنند و در آن زمان منابع شهربایگان از دست غرب خارج خواهد شد.

**یک تجربه قدیمی**

کمی به عقب نگاه کنیم. غرب مدعی است که از احتمال اینکه ممکن است روزی ایران به سمت دستیابی به

سلاح‌های هسته‌ای حرکت کند، نگران است و برای همین خواستار آن است ایران مطیع غرب باشد تا خطری وهم‌ناک جهان را تهدید نکند. یعنی آمریکا که تنها استفاده‌کننده از بمب اتمی در هیروشیما و ناگازاکی است، خود را نگران امنیت و صلح در جهان معرفی می‌کند. دقیقاً پرس‌تی‌وی با یادآوری جنایات آمریکا و کنار زدن پرده‌های ابهام از رفتار دوگانه غرب موجب تنویر افکار عمومی در سطح جهان می‌شود.

یکی از موارد مهم اثبات رسانه‌ای این نکته است که آمریکا با ملت‌های مستقل دشمنی می‌کند و هر بار برای آنکه افکار عمومی داخلی و جهانی را با خود همراه سازد، بهانه‌ای را بر سر علم می‌آشاندند دشمنی آمریکا علیه ملت

## ایران در چهل سال قبل نمونه‌ای از رفتار غرب است: در سال ۱۳۶۷ زمانی که هرگز برنامه‌های موشکی، اتمی یا منطقه‌ای مطرح نبود و ایران در مقابل تجاوز صدام به دفاع مشغول بود، آمریکا چهار میدان نفتی کشورمان به نام‌های رسالت، رشادت، نصر و سلمان را در خلیج فارس به توب بست و همه تاسیسات گران‌قیمت فراساحل آنها را نابود کرد. بر اثر آن تولید نفت ایران ۵۳۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت. همچنین به کشتی ایران حمله کرد و آن را اشغال و سپس غرق کرد. این جدای از شلیک موشک به پرواز ۶۵۵ ایران ایر بود که ۲۹۰ انسان مسافر آن را کشت.

بنابراین اقدامات برای فشار به ایران فقط و فقط برای سخت کردن زندگی مردم و آسیب زدن به استقلال کشورمان است و نیازمند هیچ بهانه‌ای نبوده و نیست. بیان این واقعیت تلخ از ماهیت رفتاری آمریکا و نیز موفقیت ایران در مواجهه مقابل تحریم‌ها برای هر ملت زیر ستیمی جذاب است.

سمت تماشای سریال‌های تلویزیونی جذب شوند؛ به همین دلیل، موقعیت زمانی ماه مبارک رمضان و به‌ویژه حد فاصل افطار تا نیمه شب، یک فرصت مناسب رسانه‌ای و فرهنگی برای صداوسیماست؛ به‌ویژه اینکه در این زمان، حال و هوای فردی و اجتماعی مردم هم به گونه‌ای است که آمادگی بیشتری برای پذیرش مضامین متعالی دارند. همچنان که بار مسئولیت رسانه ملی برای تأمین نیازهای مخاطب در این مقطع زمانی افزایش می‌یابد. به‌ویژه اینکه این برنامه‌ها دقیقاً در تأثیرگذارترین ساعت‌های زندگی هموطنان مان، یعنی لحظات پس از افطار به آنها عرضه می‌شوند.

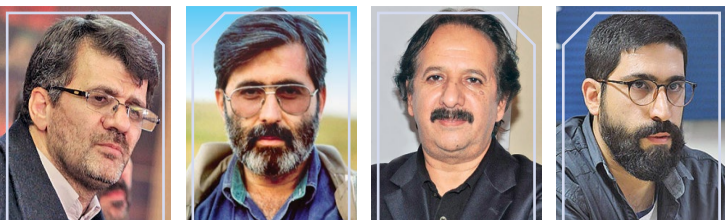
بنابراین، سریال‌های تلویزیون در این مقطع از زمان می‌توانند نقش مکمل عبادت‌های مردم را ایفا کنند؛ اما متأسفانه طی چند سال اخیر سریال‌های ماه رمضان سیما از نظر تأثیرگذاری مثبت بر تعالی مخاطب، رو به افول بوده‌اند. این برنامه‌های مناسبیتی، پس از دوران اوج دهه ۸۰، از اواخر آن دهه با افت کیفیت، ساختار و محتوا مواجه شدند؛ به‌گونه‌ای که سریال‌های شش، هفت سال گذشته سیما در ماه رمضان را نمی‌توان با آثاری چون «صاحب‌دلان»، «لو یک فرشته بوده»، «غمنا» و «میوسه ممنوعه» و حتی مجموعه‌های طنزآمیز آن دوران مقایسه کرد.

بنابراین، در سال‌های اخیر از این فرصت و ظرفیت کم‌نظیر رسانه‌ای کمتر استفاده شده‌است؛ برخلاف دهه‌های ۷۰ و ۸۰ اغلب سریال‌هایی که طی یک دهه اخیر برای بخش در ماه رمضان انتخاب می‌شوند، رقم و قدرت تأثیر گذاری بالا و والا را ندارند.

صفحه ۸

دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰

۲۷ رمضان ۱۴۴۲ – شماره ۳۷۷۴۳



جواد اردکانی (فیلمساز)

شهید اوینی (فیلمساز)

مجید مجیدی (فیلمساز)

هادی محمدیان (پویانما)

فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)

ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)

مهدی قلیه (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

حسین باری (بازیگر)

نادر میربناوری (فیلمساز)

بروین شیخ طادی (فیلمساز)

شهرویار بحرانی (فیلمساز)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

جمال شورهچ (فیلمساز)

دست هم نرسیده، ما فیلمی نداشتیم‌که در دنیا نقشی استراتژیک داشته باشد.

فیلم‌هایی مانند «۲۳ روز» با موضوع مقاومت اسلامی لبنان، «جعبه‌سیاه» درباره‌نقش صهیونیست‌ها در حمله به برج‌های دولوی نیویورک در ۱۱ سپتامبر، «بیگاسگان» با مضمون اشغال فلسطین و نقش انگلیس در تشکیل رژیم صهیونیستی. «شکارچی شنبه» درباره مبانی ایدئولوژیک صهیونیسم و… ازجمله این فیلم‌ها هستند. اما هنوز فعالیت خاصی برای آکسران جهانی این آثار صورت نگرفته است. حتی فیلم «فرشتگان قصاب» به کارگردانی سهیل توسط صهیونیست‌ها را برملا می‌کرد، اصلا فرصتی برای اکران در سینماها نیافت و مستقیم به پیش تلویزیونی رسید!

یکی از مشکلات بزرگ سینمای امروز ایران که از موانع اصلی قدرت گرفتن سینمای استراتژیک در آن شده، شیفتگی در مقابل سینمای غرب است. آن هم در شرایطی که خود غربی‌ها تعارف را کنار گذاشته و در اوج سیاسی کاری و فعالیت ایدئولوژیک هستند. بدون تردید یکی از مهم‌ترین و بهترین راه‌ها برای

ایجاد تحول در سینمای کشورمان، تقویت و پویایی سینمای استراتژیک است. جا دارد که برای این‌گونه آثار، حمایت‌های تبلیغاتی بیشتری صورت گیرد و تدابیری اتخاذ شود که مخاطبی حداکثری پیدا کنند. چنین سینمایی می‌تواند بیخ هنر هفتم این مرز و بوم را

بشکند که در این راه، علاوه بر سیاست‌گذاری اصولی و پویا توسط دولت، نهادهای نظامی و امنیتی نیز باید وارد عرصه شده و بخشی از بار را برعهده بگیرند.

# سفارش بد - سفارشی خوب!

بژمان کریمی



شخصیتی یک نامزد، بر نقطه و مدار زیاده‌روی نایستد.
چهار: هدف اصلی فیلمساز، ترویج اندیشه‌ای متعالی و الهی باشد که انتشار و باور و عمل بدان موجب بالندگی جامعه اسلامی شود.
با این اوصاف؛ فیلمساز سفارش‌ساز نیز قابل احترام است و بخشی از جامعه نخبگانی ما به شمار می‌آید.

## سریال‌های رضانی تلویزیون چگونه به یک مناسک رسانه‌ای تبدیل شدند؟

حسین کارگر

از اواسط دهه ۷۰ رفته رفته یک مناسک رسانه‌ای جدید در کشورمان به‌وجود آمد. از آن دوران، دنبال کردن سریال‌های مناسبیتی تلویزیون برای ماه مبارک رمضان در لحظات پس از افطار، به یک عادت فرهنگی جمعی در ایران تبدیل شد؛ به این معنا که تعقیب کردن این سریال‌ها بخشی از برنامه‌های روزمره مردم در این ایام می‌شود. حتی علاقه چندانی به‌دنبال کردن سریال‌های تلویزیونی ندارند، با شروع ماه مبارک رمضان، به پیگیری این‌گونه برنامه‌ها علاقه‌مند می‌شوند. یکی از دلایل چنین گرایش‌ی نزد مردم، همزمان بودن پخش این سریال‌ها با لحظات خاص پس از افطار است که همه اعضای خانواده گرد هم می‌آیند و فضایی پر از نشاط و معنویت در خانه‌ها حاکم می‌شود. دلیل دیگر، خاطرات خوش بهجا مانده از این‌گونه سریال‌هاست که سبب می‌شود بسیاری از مردم در شب‌های رمضان، خود به خود به



سمت تماشای سریال‌های تلویزیونی جذب شوند؛ به همین دلیل، موقعیت زمانی ماه مبارک رمضان و به‌ویژه حد فاصل افطار تا نیمه شب، یک فرصت مناسب رسانه‌ای و فرهنگی برای صداوسیماست؛ به‌ویژه اینکه در این زمان، حال و هوای فردی و اجتماعی مردم هم به گونه‌ای است که آمادگی بیشتری برای پذیرش مضامین متعالی دارند. همچنان که بار مسئولیت رسانه ملی برای تأمین نیازهای مخاطب در این مقطع زمانی افزایش می‌یابد. به‌ویژه اینکه این برنامه‌ها دقیقاً در تأثیرگذارترین ساعت‌های زندگی هموطنان مان، یعنی لحظات پس از افطار به آنها عرضه می‌شوند.

بنابراین، سریال‌های تلویزیون در این مقطع از زمان می‌توانند نقش مکمل عبادت‌های مردم را ایفا کنند؛ اما متأسفانه طی چند سال اخیر سریال‌های ماه رمضان سیما از نظر تأثیرگذاری مثبت بر تعالی مخاطب، رو به افول بوده‌اند. این برنامه‌های مناسبیتی، پس از دوران اوج دهه ۸۰، از اواخر آن دهه با افت کیفیت، ساختار و محتوا مواجه شدند؛ به‌گونه‌ای که سریال‌های شش، هفت سال گذشته سیما در ماه رمضان را نمی‌توان با آثاری چون «صاحب‌دلان»، «لو یک فرشته بوده»، «غمنا» و «میوسه ممنوعه» و حتی مجموعه‌های طنزآمیز آن دوران مقایسه کرد.

بنابراین، در سال‌های اخیر از این فرصت و ظرفیت کم‌نظیر رسانه‌ای کمتر استفاده شده‌است؛ برخلاف دهه‌های ۷۰ و ۸۰ اغلب سریال‌هایی که طی یک دهه اخیر برای بخش در ماه رمضان انتخاب می‌شوند، رقم و قدرت تأثیر گذاری بالا و والا را ندارند.